

# فصل اوّل

## جهان اجتماعی



## ● فصل اوّل - جهان اجتماعی

### ● اهداف فصل اوّل

#### ● دانش آموز با مطالعه این فصل و انجام فعالیت های آن:

- به معناداری (آگاهانه بودن) کنش آدمی پی می برد و می تواند پیامدهای احتمالی یک کنش معین را در یک موقعیت خاص توصیف کند.
- با استفاده از روش مقایسه، معناداری پدیده های اجتماعی را توضیح می دهد و نقاط قوت و ضعف این روش را بر می شمارد.
- چگونگی گسترش جهان اجتماعی و نقش افراد را در این فرایند توصیف می کند و برای مشارکت در آن، احساس مسئولیت می کند.
- جایگاه فرهنگ را در جهان اجتماعی باز می شناسد و برای پدیده های تکوینی و اعتباری جهان اجتماعی مصداق می آورد.
- با تفکیک لایه های مختلف جهان اجتماعی، به اهمیت پدیده های اجتماعی عمیق تر و کلان تر پی می برد و برای آنها نمونه می آورد.
- با ارائه دلایل و شواهد، تنوع جهان های اجتماعی و آثار آن را تشریح می کند.
- فرصت ها و محدودیت های جهان های اجتماعی را تشخیص می دهد و جهان های اجتماعی را نقد و ارزیابی می کند.



## درس ۱

# کنش‌های ما

## «آنچه انجام می‌دهیم»

### کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان، کاری را انجام می‌دهند؛ ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم؛ شادی می‌کنیم؛ مسواک می‌زنیم؛ نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی همانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار، کنش و ... وجود دارد و برای انجام‌دهنده فعالیت، اسامی مختلف کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما، عامل و ... به کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد، «کنش» و به انجام‌دهنده آن، کنشگر می‌گویند. کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت مخلوقات دیگر متمایز می‌کند. به نظر شما این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

وقتی می‌خواهید برای اولین بار از یک کالای پیچیده مانند تلویزیون یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچه راهنمای آن مراجعه می‌کنید. ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچه راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید، چرا؟ در جلسه امتحان نشسته‌اید و شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی فراهم است. در چه صورتی، از پاسخ به پرسشی باز می‌مانید؟

فرد گرسنه‌ای به جزیره‌ای خالی از سکنه وارد می‌شود. او هیچ شناختی درباره مواد غذایی آنجا ندارد. به نظر شما این فرد برای رفع گرسنگی‌اش چه می‌کند؟

**کنش، آگاهانه است.** یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است، به گونه‌ای که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. از این رو، فردی که به زبانی آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه براساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟

حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری، بر سر دو راهی قرار گرفته باشید. مانند اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دو راهی‌ها، یکی از ویژگی‌های کنش انسانی را نشان می‌دهد. آن ویژگی کدام است؟

**کنش، ارادی است.** کنش به اراده‌ی انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، انجام نمی‌شود. پس برای انجام کنش، علاوه بر آگاهی، اراده‌ی انسان نیز ضروری است زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد؛ ولی تصمیم به انجام آن نگیرد.

با توجه به ارادی بودن کنش، آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر و ... کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

فردی از میان جمع برمی‌خیزد و در و پنجره‌ی اتاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسند چرا چنین کاری کردی، چه می‌گوید؟

**کنش، هدف‌دار است.** پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا فعالیت انسان با قصد و هدف خاصی انجام می‌شود؛ اگرچه ممکن است همیشه به آن نرسد. فردی که کنار رودخانه‌ای می‌رود؛ قصد ماهیگیری دارد یا می‌خواهد از شنیدن صدای آب لذت ببرد، شاید هم می‌خواهد شنا کند یا ...

آیا انسان‌های مختلف در انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟

با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان - برخلاف فعالیت سایر مخلوقات - «معنادار» است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دست خود را بالا می‌آورد، معنای کار او اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را دریابد.



■ معناداری کنش

### گفت و گو کنید

بوق زدن راننده، یک کنش است. دربارهٔ معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت و گو کنید.

### کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس درس سپری شده است؛ همه غرق درس اند. ناگهان دانش آموزی در می زند و اجازه ورود می خواهد. به نظر شما کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می کند؟ دربارهٔ آثار و پیامدهای کنش او گفت و گو کنید. آیا می توانید آنها را دسته بندی کنید؟

از لقمان حکیم پرسیدند؛ حکمت از که آموختی؟ گفت: از نابینایان که تا جای نبینند پای نهند!  
سعدی در این بیان، چه چیزی را به ما توصیه می کند؟  
به نظر شما شناخت آثار و پیامدهای کنش، چه اهمیتی دارد؟



هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، وابسته به آگاهی و ارادهٔ انسان هاست؟

برخی از پیامدهای کنش، به ارادهٔ افراد انسانی؛ یعنی خودِ کنشگر یا افراد دیگر وابسته است. به همین دلیل به آنها «پیامدهای ارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، خودشان، کنش هستند و باید کنشگری، آنها را انجام دهد. دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در پی آن؛ اولاً به پرسش‌های آزمون پاسخ می‌دهد؛ ثانیاً استاد متناسب با تلاش او، نمره می‌دهد. پاسخ به پرسش‌های امتحانی و نمره دادن استاد، پیامد ارادی مطالعهٔ اوست که اولی به ارادهٔ خود او، و دومی به ارادهٔ استاد، وابسته است.

فردی سلام می‌کند. پاسخ سلام او پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به ارادهٔ جواب دهندهٔ سلام، وابسته است.

اما همهٔ پیامدهای کنش این‌گونه نیستند؛ یعنی به ارادهٔ افراد انسانی بستگی ندارند. به همین دلیل به آنها «پیامدهای غیرارادی» می‌گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را اراده کند؛ بلکه نتیجهٔ طبیعی کنش‌اند. وقتی شما در و پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس تغییر می‌کند. فردی که وضو می‌گیرد، دست و صورت او پاکیزه می‌شود.<sup>۱</sup>

پیامدهای غیرارادی کنش انسان، قطعی است؛ یعنی حتماً انجام می‌شود، ولی پیامدهایی که به ارادهٔ انسان‌ها وابسته است، احتمالی است؛ یعنی ممکن است انجام بشود یا نشود. اگر افراد آن را اراده کنند، انجام می‌شود و اگر نخواهند، انجام نمی‌گیرد.

در بسیاری از موارد، آدمیان کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آن انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها به دلیل پیامدهای نامطلوبشان خودداری می‌کنند. چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجه کرده‌اید.



■ پیامدهای کنش

۱- وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقرب و نزدیکی به خداوند متعال. امام رضا (ع)

فردی با اصرار بسیار از رسول اکرم (ص) پند و اندرز می‌خواست.

پیامبر به او فرمود:

– «اگر بگویم به کار می‌بندی؟»

– بلی یا رسول الله!

پیامبر سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید جلب کرد. پس به او فرمود:

«هرگاه تصمیم به کاری گرفتی اول در نتیجه و عاقبت آن کار فکر کن و ببندیش؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است آن را دنبال کن و اگر عاقبتش گمراهی و تباهی است از تصمیم خود صرف نظر کن!»

### تحلیل کنید

- «آدمی در گرو عمل خویش است» (سوره مدثر، آیه ۳۸)
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هر یک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

پیامدهای غیرارادی	پیامدهای ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
			ورزش کردن
			سیگار و قلیان کشیدن
			رعایت حیا
			کنترل خشم

## مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید:

کنش، .....

.....

.....

.....

.....

.....

## خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله یا گزاره بنویسید. در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را دو به دو نشان می دهید.

— کنش، معنادار است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله ها و گزاره هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته های خود را بخوانید و با راهنمایی دبیر خود، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....





## پدیده‌های اجتماعی

درس ۲

«آنچه با هم پدید می‌آوریم»

### کنش اجتماعی چیست؟

به تنهایی مشغول خوردن غذا هستید که دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش شما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن شما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ زیرا شما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیرید. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی شما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منظور از کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس، از جا بر می‌خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجه می‌کنیم و... ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

کنش‌ها انواعی دارند. برخی مانند تفکر و تخیل، کنش درونی و برخی مانند راه رفتن و نشستن، کنش بیرونی هستند. برخی از آنها، فردی و برخی اجتماعی‌اند. کنش اجتماعی، نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی، تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین دلیل کنش او اجتماعی است. حتی رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین مخفی، کنش اجتماعی است. به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها اتفاق می‌افتند کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال وقتی فردی در کلاس درس حضور دارد، ولی بی‌توجه به اطرافیان، در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیل می‌کند، کنش اجتماعی انجام داده است؟ هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگرست



■ کنش اجتماعی!؟



■ افطار کنار مزار شهدا. کنش ناظر به دیگران

### نمونه بیاورید

دانستید که در کنش اجتماعی، آگاهی و اراده کنشگر، ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست. برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژه «دیگران» بیندیشید. کسانی که کنشگران با توجه به آنها، دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از آنها ذکر شده است. تلاش کنید در ارتباط با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه / آشنا

دوست / دشمن

گذشتگان / معاصران / آیندگان

مؤمن / کافر / منافق

با این مثال‌ها متوجه می‌شوید؛ کنشی که ناظر به هر کدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تا کنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

(برای آشنایی با آداب مناسبات و ارتباطات انسان با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحیة آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

## پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

در درس هنر، یکی از سرمشق‌هایی که از روی آن خط می‌نوشتند این جمله بود: «ادب آداب دارد». اگر از شما خواسته می‌شد که درباره این جمله مطلبی بنویسید، چه می‌نوشتید؟ بسیاری از آدابی که ما مراعات می‌کنیم، محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما هستند که به صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها، پیش روی ما قرار می‌گیرند و اگر وجود نداشته باشند، نمی‌توانیم با هم زندگی کنیم. فکر کنید کوچه‌ها، خیابان‌ها و خط‌کشی‌های مسیر خانه تا مدرسه چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند.



پوشش، پدیده‌ای اجتماعی

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و... نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند که در سال گذشته با برخی از آنها آشنا شدید. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «پدیده اجتماعی» می‌گویند. کنش اجتماعی خردترین پدیده اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن می‌باشند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در مکانی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد شود، مطالعه او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به میان می‌آورد. او برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید در حضور دیگران، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی، شیوه انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد.

ارزش‌های اجتماعی، آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی‌اند که مورد توجه و پذیرش هستند و افراد یک جامعه نسبت به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ یک از ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت، امنیت و آزادی محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» را ضروری می‌سازند تا از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه؛ ارزش‌ها و هنجارها را به افراد منتقل کنند. افراد با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، به آنها تداوم می‌بخشند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق شکل می‌گیرند. پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به وجود می‌آورند و از آنجا که افراد انسانی با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنادار هستند.



متفکران اجتماعی، به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی از طریق کنش اجتماعی را «برونی سازی» و تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر افراد و کنش اجتماعی آنها را «درونی سازی» می‌نامند. بر این اساس، می‌توان موارد زیر را تفکیک کرد:

ساختمان‌سازی، در میان گذاردن یک ایده با دیگری، جامعه‌پذیری، ساختن در توسط نَجّار، کنترل اجتماعی، خلق یک اثر هنری، گفتگو کردن و تحصیل در مدرسه.

پدیده‌های اجتماعی به مرور، از انسان‌هایی که آنها را به وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی آنها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. در حالی که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجه کنش افراد هستند؛ ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.



■ پدیده‌های اجتماعی از انسان‌ها مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کنند.

### مقایسه کنید

کوه یک پدیده طبیعی و ساختمان اداری، پدیده اجتماعی است. با مقایسه آنها، تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان‌ها در پیدایش آن		
معنادار بودن		
محسوس بودن		





## جهان اجتماعی

### «دنیای گسترده ما»

#### چه تصویری از جهان اجتماعی دارید؟

جهان، واژه‌ای است که معمولاً برای اشاره به مجموعه‌های بزرگ به کار می‌رود. مانند جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام و ... مجموعه پدیده‌های اجتماعی نیز «جهان اجتماعی» را شکل می‌دهند. بعضی اوقات انسان‌ها برای اینکه پدیده‌های ناشناخته را بشناسند، آنها را با پدیده‌هایی آشنا مقایسه می‌کنند. در مقایسه پدیده‌ها با یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها آشکار می‌شود. برای اینکه جهان اجتماعی را بهتر بشناسیم، می‌توانیم آن را با پدیده‌های مختلفی مقایسه کنیم. برخی جهان اجتماعی را با موجودات زنده، مقایسه کرده‌اند؛ مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند».

به نظر شما «موجود زنده» و «جهان اجتماعی» چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؟

در درس علوم تجربی آموخته‌اید که بدن موجودات زنده (گیاهان و حیوانات) ویژگی‌های مشترکی دارند.

- اندام و اعضای متفاوتی دارند، مثلاً گیاه، ریشه، ساقه و برگ دارد و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.
- اعضای آنها به یکدیگر وابسته‌اند و هر کدام نیازهای دیگری را تأمین می‌کنند.
- اعضا برای حفظ حیات موجود زنده، در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند.
- اعضا برای تأمین هدف مشترک، از چینش و نظم مناسبی برخوردارند.

و ...

آیا می‌توانید با توجه به تصاویر صفحه بعد، ویژگی‌های بالا را برای دوستانتان تشریح کنید؟



جهان اجتماعی مانند یک موجود زنده، اعضای مختلفی دارد و این اعضا در ارتباط با هم، از نوعی نظم برخوردارند. نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی است.

به نظر شما چه تفاوت‌هایی میان بدن موجود زنده و جهان اجتماعی وجود دارد؟ عضویت اعضا در بدن موجودات زنده و نظم آنها تکوینی است؛ یعنی براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آید و به همین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کند؛ ولی عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن، با اراده و آگاهی انسان‌ها تعریف می‌شود و با قرارداد آنها به وجود می‌آید.



جهان اجتماعی بیشتر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، افراد مختلفی عضوند که عضویت و نقش هر کدام توسط همه اعضا تعریف یا پذیرفته می‌شود. در زمین فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران آگاهی‌های مشترکی دارند. آنها قواعد بازی را می‌دانند؛ از عضویت یکدیگر اطلاع دارند؛ وظایف و انتظارات یکدیگر را می‌شناسند و آنها را می‌پذیرند. آیا بدون این آگاهی‌های مشترک، بازی فوتبال ممکن می‌شود؟



کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان، ... و نهادهایی چون آموزش و پرورش، خانواده و ... اعضای جهان اجتماعی هستند. این اعضا، تنها هنگامی که عضویت جهان اجتماعی را پذیرفتند، به آن راه می‌یابند و نقشی را به‌عهده می‌گیرند و متناسب با نقش خود، از حقوق و تکالیفی برخوردار می‌شوند که خود و دیگران از این عضویت و حقوق و تکالیف آن آگاهی دارند. بنابراین جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است؛ یعنی با آگاهی و اراده انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست؛ بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. آیا از کتاب مطالعات اجتماعی سال گذشته به یاد دارید که به این «مجموعه آگاهی‌های مشترک» چه می‌گویند؟

تاکنون یکی از تفاوت‌های مهم جهان اجتماعی و بدن موجود زنده، آشکار شد. آیا می‌توانید تفاوت دیگری را بیان کنید؟

موجودات زنده طول عمر معینی دارند. آنها از طریق زاد و ولد، زندگی خود را در طول زمان تداوم می‌بخشند. ویژگی‌های آنها مانند رنگ، جنس، قد و ... از طریق وراثت، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. به نظر شما جهان اجتماعی چگونه طی نسل‌ها تداوم می‌یابد؟



■ آگاهی‌های مشترک و تداوم آنها

جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد. فرهنگ از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. به نظر شما فرهنگ با چه روشی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد؟ هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.

چه بخشی از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش آن توسط مدرسه انتقال می‌یابد؟  
نمونه‌هایی را بیان کنید.

### گسترهٔ جهان اجتماعی کجاست؟

به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، درون جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؟ خانواده، ستارگان، احترام به قانون، فلزات، دولت، زلزله، عدالت، مدرسه، صلح، امنیت، کارخانه، رودخانه، خیابان، بیابان، خویشاوندان، حزب، کارمند، مسجد، آب و اتوبوس.

برای پاسخ به این پرسش، جدول زیر را تکمیل کنید. پدیده‌هایی را که مطمئن هستید درون جهان اجتماعی قرار دارند، در ستون اول و مواردی را که یقین دارید بیرون از جهان اجتماعی هستند، در ستون دوم بنویسید. مواردی را که دربارهٔ آنها شک دارید و نمی‌دانید درون جهان اجتماعی یا بیرون آن قرار می‌گیرند در ستون سوم درج کنید.

؟	بیرون جهان اجتماعی	درون جهان اجتماعی
زلزله	ستارگان	خانواده

به چپ‌نش کتاب‌های یک کتابخانه فکر کنید. کتاب‌ها براساس معیار خاصی دسته‌بندی (طبقه‌بندی) می‌شوند. انسان‌ها برای رهایی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته‌بندی رو می‌آورند. دسته‌بندی نیز به معیار و قاعده نیاز دارد. پر کردن جدول بالا نوعی دسته‌بندی بود. قاعده و معیار شما برای این دسته‌بندی چه بود؟ آیا برای تشخیص پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند، معیار و قاعدهٔ خاصی وجود دارد؟



■ گستره جهان اجتماعی

با اطمینان کامل می‌توانید بگویید که پدیده‌های اجتماعی به جهان اجتماعی تعلق دارند؛ احترام به قانون یک کنش اجتماعی است. خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌ها هستند.

اما پدیده‌های طبیعی نیز می‌توانند به جهان اجتماعی راه یابند. آیا می‌دانید چگونه؟

### جهان طبیعی ← جهان اجتماعی

زلزله یا خشکسالی با اینکه پدیده‌های طبیعی‌اند، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها دارند. انسان‌ها برای مقابله با زلزله و خشکسالی، قواعد خاصی وضع می‌کنند و کنش‌های مناسبی انجام می‌دهند؛ آنها خانه‌های خود را به گونه‌ای می‌سازند که در برابر زلزله مقاوم باشد، انبارها و سیلوهایی را بنا می‌کنند تا با خشکسالی مقابله کنند. در مناطقی که آب و هوای خشک دارد، راه‌هایی برای رسیدن به ذخایر زیرزمینی آب ابداع می‌کنند و کشاورزی متناسب با همان آب و هوا را بر می‌گزینند. پس زلزله و خشکسالی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان پیدا می‌کنند، وارد جهان اجتماعی می‌شوند.

آیا می‌دانید شناخت فلزات و ستارگان چگونه می‌تواند بر زندگی انسان تأثیر بگذارد؟ آلودگی طبیعت و محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب‌زده و نابخردانه انسان‌هاست. آیا همین

آلودگی به نوبه خود، زندگی اجتماعی انسان را متأثر نمی‌سازد؟

جهان طبیعی → جهان اجتماعی



■ اقدامات شتاب‌زده انسان در مواجهه با طبیعت



■ قنات . ابتکار ایرانیان

دانستید ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود؛ ولی جهان اجتماعی می‌تواند از این هم گسترده‌تر شود. آیا می‌دانید چگونه؟ شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماورای طبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

جهان ماورای طبیعی ← جهان اجتماعی

سنت‌ها و قوانین الهی نیز با انسان‌های شاکر و ناسپاس و جوامع عادل و ظالم، یکسان عمل نمی‌کند و درهای آسمان را بر عدالت‌پیشگان می‌گشاید و ستم‌پیشگان را در قهر و انتقام الهی فرو می‌گذارد.

بنابراین هریک از موجوداتی که بیرون جهان اجتماعی قرار دارند؛ یعنی موجودات طبیعی و ماورای طبیعی به واسطه ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسان پیدا می‌کنند، در گستره جهان اجتماعی قرار می‌گیرند.



■ ورود پدیده‌های طبیعی و ماورای طبیعی به جهان اجتماعی

## شناسایی کنید

جهان اجتماعی شامل دو دسته پدیده زیر است. برای هر دسته، پنج مثال بیاورید.

<p>پدیده‌های تکوینی پدیده‌هایی که انسان آنها را ایجاد نمی‌کند ولی به واسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارند به جهان اجتماعی راه می‌یابند.</p>	<p>پدیده‌های اعتباری کنش و پیامدهای آن</p>





## تشریح جهان اجتماعی

«اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی»

درس ۴

### جهان اجتماعی از چه اجزایی تشکیل شده است؟

در درس گذشته با کمک مقایسه، تصویری از جهان اجتماعی به دست آوردیم. می‌خواهیم با همین روش و به تدریج، تصویری را که از جهان اجتماعی داریم، کامل‌تر کنیم. در پزشکی، دانشی به نام تشریح یا کالبدشناسی وجود دارد که اجزای بدن انسان و محل قرار گرفتن آنها را شناسایی می‌کند. درباره آن، چه می‌دانید؟ به نظر شما اجزای جهان اجتماعی را چگونه می‌توان شناخت؟

درباره تشریح آورده‌اند؛ دانشی است که درباره اعضای بدن انسان و چگونگی ترکیب آنها بحث می‌کند و اهدافی چند دارد؛ از جمله معرفت به کمال صنع الهی و دست یافتن به علل امراض و درمان آنها، تشریح اساس پزشکی است. از این رو گفته‌اند: طیب بی بهره از تشریح، به ندانستن علم طب شهره است! شما فکر می‌کنید تشریح جهان اجتماعی چگونه صورت می‌گیرد؟ اجزای آن کدام‌اند و شناسایی آنها چه فایده‌ای دارد؟



■ اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در یک مراسم عروسی می‌توان شناسایی کرد.

## بخوانیم و بدانیم

در دروس گذشته بارها جهان اجتماعی و موجود زنده را با هم مقایسه کردیم و در درس‌های آینده نیز از این روش برای شناخت بهتر جهان اجتماعی کمک می‌گیریم. در این باره لازم است به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم که استفاده نادرست از مقایسه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری دارد. یکی از استفاده‌های نادرست، این است که صرفاً بر **شباهت‌های** پدیده‌های مورد مقایسه تأکید کنیم و **تفاوت‌های** آنها را نادیده بگیریم. حتماً متوجه شده‌اید که ما در مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده، هم به تفاوت‌ها و هم به شباهت‌های آنها توجه داریم. بنابراین باید از این اشتباه حذر کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان بیندازیم؛ در حالی که تفاوت‌های آنها بسیار عمیق‌تر است. مثلاً نباید گمان کنیم همان تشریحی که در پزشکی انجام می‌گیرد، در جهان اجتماعی نیز ممکن است.

جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلفی تشکیل شده است. دانشمندان، جهان اجتماعی را براساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

## اندازه و دامنه

پدیده‌های اجتماعی، اجزای جهان اجتماعی‌اند و می‌توان آنها را بر اساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب طیفی در جهان اجتماعی ترسیم می‌شود که در یک سوی آن، پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش‌های اجتماعی افراد، و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان، مانند فرهنگ و جامعه قرار دارند.

به نظر شما پدیده‌هایی مانند گروه‌ها و سازمان‌ها در کجای این طیف جای می‌گیرند؟ چرا؟





آیا می‌توانید پدیده‌های اجتماعی زیر را روی طیف خرد - کلان قرار دهید؟

کلاس، مدرسه، نظام آموزشی

به نظر شما تقسیم‌بندی پدیده‌های اجتماعی به خرد و کلان چه فوایدی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، به میزان اثرگذاری خود بر پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان یا اثرپذیری از آنها بیندیشید. مثلاً می‌توان بیکاری و راه‌های درمان آن را در سه مورد زیر با یکدیگر مقایسه کرد: بیکاری فردی که خود شایستگی و مهارت لازم را ندارد؛ بیکاری افراد یک شهر که سیستم اطلاع‌رسانی مناسبی در شهر آنها وجود ندارد؛ و بیکاری افراد زیادی که به دلیل نبود مشاغل کافی در جامعه بیکارند.



■ پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان

### ابعاد ذهنی و عینی

قبلاً دانستید تمامی پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند؛ از این رو هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی فاقد معنا نیستند؛ اما همه پدیده‌های اجتماعی، بُعد محسوس و عینی ندارند. پدیده‌های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن نیز می‌توان در یک طیف قرار داد.

در یک سوی طیف، پدیده‌هایی هستند که بُعد محسوس و مادی قوی‌تری دارند؛ مانند ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی؛ و در سوی دیگر، پدیده‌هایی قرار می‌گیرند که بُعد معنایی و ذهنی بیشتری دارند؛ مثل عقاید، ارزش‌های اجتماعی و کنش‌های درونی.



شما پدیده‌های اجتماعی زیر را چگونه روی طیف ذهنی - عینی قرار می‌دهید؟  
 نظم، قوانین راهنمایی و رانندگی، علائم راهنمایی، سرعت‌گیر.  
 در جهان اجتماعی بُعد ذهنی پدیده‌ها، اهمیت بسیاری دارد. در یک بحران اقتصادی که کشورهای صنعتی دچار مشکل شده بودند، بنا به محاسبات اقتصادی می‌بایست نفت را به گران‌ترین قیمت از کشورهای نفت‌خیز خریداری می‌کردند، ولی جالب است بدانید به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را خریدند؛ زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت؛ ولی بُعد ذهنی آن مفقود بود. همانند دانش‌آموزی که از استعداد سرشاری برخوردار است؛ ولی خود به آن آگاه نیست و از این استعداد بهره‌چندانی نمی‌برد!



■ پدیده‌های اجتماعی عینی و ذهنی

تعیین کنید

کلان

↑

← دهنی      → عینی

↓

خرد

جایگاه پدیده‌های اجتماعی زیر را روی دو طیف خرد - کلان و ذهنی - عینی تعیین کنید:  
 شهر، هدیه دادن برای روز تولد یک دوست، تصور من از معلم کلاس اول ابتدایی، عدالت اجتماعی.

### لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟

آیا همه اعضای یک موجود زنده، اهمیت یکسانی دارند؟ مثلاً آیا قلب، مغز، چشم و دست از اهمیت یکسانی برخوردارند؟

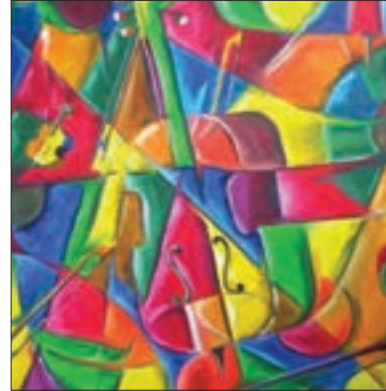
نظر شما درباره اجزای مختلف جهان اجتماعی چیست؟ آیا همه آنها اهمیت یکسانی دارند؟

در میان اعضای بدن، قلب و مغز به دلیل داشتن نقش اساسی در زنده ماندن موجود زنده، از اهمیت بیشتری نسبت به چشم و دست برخوردارند. به نظر شما کدام یک از پدیده‌های زیر، تأثیر حیاتی و تعیین کننده‌ای در جهان اجتماعی دارند؟ خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد، مد، جشن فارغ التحصیلی.



بخش‌هایی از جهان اجتماعی به آسانی تغییر می‌کنند و تغییر آنها، تحول مهمی در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد. برخی می‌توانند حذف شوند، ولی با حذف آنها جهان اجتماعی تداوم می‌یابد؛ اما بخش‌های دیگر به آسانی تغییر نمی‌کنند و اگر حذف شوند، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد. به بخش‌هایی که امکان تغییر بیشتری دارند و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه‌های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش‌هایی که تأثیر تعیین کننده بر جهان اجتماعی دارند، «لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می‌گویند. لایه‌های عمیق، تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند، اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییرند. در سال گذشته با چهار لایه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها آشنا شدید. به نظر شما عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی کدام‌اند؟ چرا؟ می‌دانید که هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از هنجارها و نمادها نیست؛ ولی هنجارها و نمادها بر حسب شرایط، در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر برخی از آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق منجر نشود، موجب تحول و تغییر بنیادین جهان اجتماعی نمی‌شود. عقاید و ارزش‌ها عمیق‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی هستند. عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند. باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیرشان از زندگی و مرگ خود، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با همان شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با این عقیده سازمان می‌دهد.



■ تناسب ارزش‌ها، هنجارها و نمادها با عقاید کلان

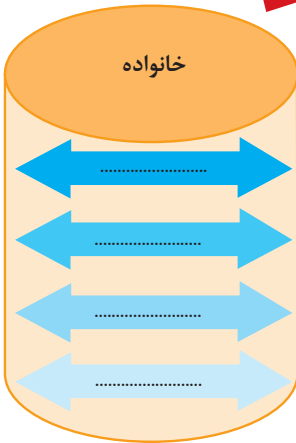
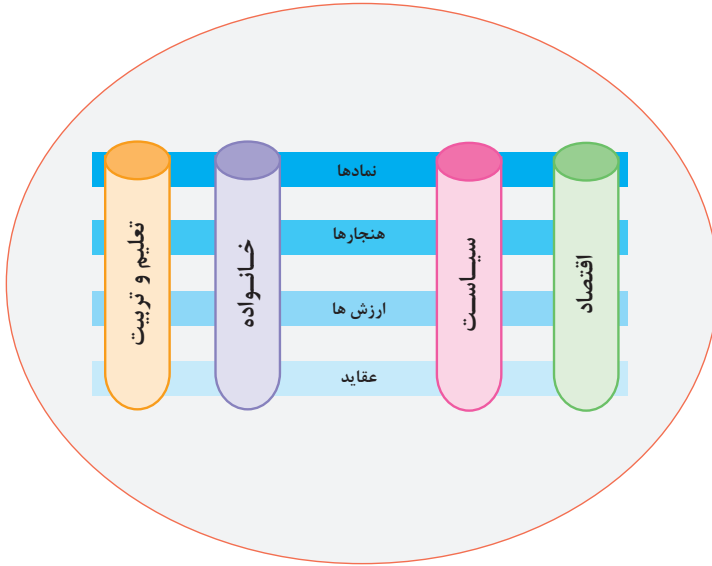
## نهادهای

تاکنون اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را جداگانه تجزیه و تحلیل کردیم. حال می‌خواهیم اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم بررسی کنیم. وقتی اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را در ارتباط با هم در نظر بگیریم، «**نهادهای اجتماعی**» آشکار می‌شوند.

افراد انسانی بدون آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش و ... قادر به ادامه زندگی نیستند. به نظر شما جهان اجتماعی برای بقا چه نیازهایی دارد؟

برای تأمین نیازهای جهان اجتماعی و افراد، راه‌های متفاوتی وجود دارد؛ ولی معمولاً در هر جهان اجتماعی، نوع خاصی از این روش‌ها، پذیرفته می‌شود و قابل قبول است. در هر جهان اجتماعی این کار به کمک نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد.

«**نهاد اجتماعی**» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد و متقابلاً شیوه‌های غیر قابل قبول را طرد می‌کند. مثلاً نهاد اقتصاد، راه درست و مقبول یا کژراهه‌های به‌دست آوردن ثروت را در جهان اجتماعی تعیین می‌کند. خانواده، تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی‌اند. نهادها در تمامی جهان‌های اجتماعی وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا می‌دانید چرا؟



## مفاهیم اساسی

نهاد اجتماعی، .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## خلاصه کنید

اجزای جهان اجتماعی را می توان به صورت های مختلفی طبقه بندی کرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



## جهان‌های اجتماعی

درس ۵

«انسان، جهان‌های اجتماعی متنوعی پدید می‌آورد»

### جهان اجتماعی یا جهان‌های اجتماعی؟

نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده، یکسان است. آیا همکاری دستگاه تنفس و گردش خون در بدن انسان‌ها، همیشه و همه‌جا یکسان نیست؟ همچنین نظم و همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند، طی عصرهای متمدنی تغییر نمی‌کند؛ مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظام واحدی زندگی می‌کند. آیا زندگی جمعی زنبورهای عسل سبلان و اجداد آنها در گذشته و تمامی زنبورهای عسل دنیا یکسان نیست؟  
به نظر شما جهان اجتماعی انسان‌ها نیز تنها یک شکل دارد؟

شیر و آهو دو حیوان متفاوت‌اند. شیرها نیز خودشان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های اساسی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف با یکدیگر در ویژگی‌های سطحی آنهاست.  
به نظر شما تفاوت میان جهان‌های اجتماعی، بیشتر مانند تفاوت میان شیر و آهو است یا مانند تفاوت میان شیرهای مختلف؟ در کتاب منطق با مفهوم نوع، آشنا شدید. شیر و آهو دو نوع حیوانی هستند. می‌دانید تفاوت شیر و آهو در ویژگی‌های ذاتی آنهاست، ولی تفاوت شیرهای مختلف، در ویژگی‌های عرضی آنهاست. آیا انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی می‌سازند یا انواعی از جهان‌های اجتماعی را پدید می‌آورند؟ چرا؟

## جهان‌های اجتماعی یکسان‌اند یا متفاوت؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز، جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط دنیا وجود دارند؛ یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

### بخوانیم و بدانیم

در جهان غرب، نوعی تقسیم‌کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود. وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیرغربی). وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آنها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند. از این رو، یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از سایر فرهنگ‌ها را مردم‌شناسان مطرح کردند.

## علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی انسان‌ها چیست؟

دانستید زندگی اجتماعی انسان‌ها بر خلاف زندگی سایر موجودات زنده، متنوع است و صورت‌های گوناگون دارد.

بچه لاک‌پشتی که تازه از تخم خارج می‌شود، از ساحل به طرف دریا حرکت می‌کند و بدون راهنمایی بزرگ‌ترها وارد دریا می‌شود و به لاک‌پشت‌های دیگر می‌پیوندد، می‌داند چه چیزی



را باید بخورد؛ از چنگ چه حیواناتی باید فرار کند و کدام‌یک از آنها با او کاری ندارند و... . به نظر شما چه نیرویی این جانور کوچک را راهنمایی می‌کند؟

رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل



می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است. تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها، سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

گاهی، نوعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد که مبتنی بر تبعیض نژادی است و گاهی در تقابل با آن، جهان اجتماعی دیگری شکل می‌گیرد که نژادها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به‌شمار نمی‌آورد. آیا می‌توانید برای هر کدام از این جهان‌های اجتماعی نمونه‌ای بیاورید؟



■ جوانی به علت اعتراض به آپارتاید (جدانژادی) توسط پلیس بازداشت می‌شود.

### تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی چه نوع تفاوتی است؟

جهان اجتماعی شکل یکسانی ندارد و همواره تغییرات و تفاوت‌هایی در آن به‌وجود می‌آید؛ نسل‌ها در پی هم می‌آیند و می‌روند، شیوه‌های زندگی تفاوت پیدا می‌کنند، انقلاب‌ها رخ می‌دهند و ... آیا با هر کدام از این تفاوت‌ها، جهان اجتماعی جدیدی به‌وجود می‌آید؟ هر جهان اجتماعی، تغییرات و تفاوت‌های مختلفی را درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجهٔ مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند. گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به‌وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق



جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها و رفتارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست؛ بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.

### تحلیل کنید

– شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان بود.  
 – توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است. با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.  
 تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌هاست؟

### آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

آشکار شد که جهان‌های اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌های کلان خود، متنوع‌اند. ولی این پرسش مطرح است که آیا جهان‌های اجتماعی در مسیر رشد و تحول خود نیز راه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند یا همه آنها ناگزیر از پیمودن مسیر واحدی هستند؟

اروپایی‌ها یک ضرب‌المثل قدیمی دارند که «همه راه‌ها به رُم ختم می‌شوند». این تنها یک ضرب‌المثل است ولی عده‌ای باورشان این است که زندگی اجتماعی بشر یک مسیر را طی می‌کند. آیا به راستی جهان‌های اجتماعی مسیر رشد یگانه‌ای دارند یا راه‌های متفاوتی را می‌پیمایند؟ آیا جهان‌های اجتماعی، تاریخ (سرگذشت و سرنوشت) یکسانی دارند؟

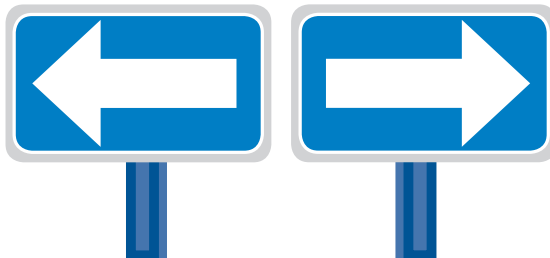


■ از نگاره‌های هندسی عظیم‌الجثه و باستانی تمدن نازکا در پرو که صرفاً از فاصله سیزده هزارپایی قابل شناسایی است. آنان به چه دانشی دست یافته بودند که توانستند آثاری این چنین خلق کنند!؟

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همهٔ جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همهٔ آنها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند. این عده، نگاه تک خطی به تاریخ بشر دارند. در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند؛ بعضی از آنها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



در مقابل، عدهٔ دیگری از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت همچون غرب، اسلام، چین و هند یاد می‌کنند.



■ نمودار عرضی

در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ‌یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعّالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آنها به وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند.

### تفسیر کنید

اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار در می‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب مانده بود. درباره نظریه استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام یک از دیدگاه‌های بالا بود؟ نظریه استعمار را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

### مفاهیم اساسی

تنوع جهان‌های اجتماعی ، .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### خلاصه کنید

انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

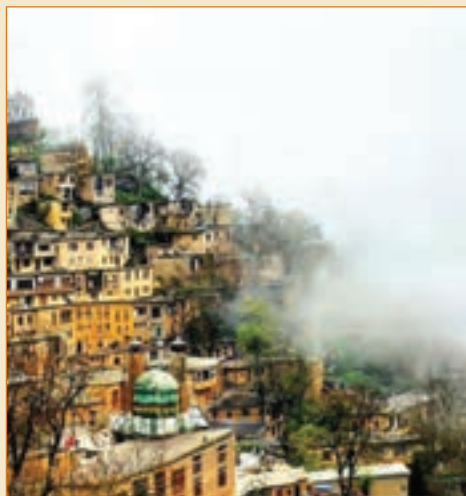
.....

.....

.....

.....

.....



## پیامدهای جهان اجتماعی

درس ۶

«درهایی که جهان اجتماعی به روی ما می‌گشاید و درهایی که می‌بندد»

### آیا جهان اجتماعی صرفاً تابع خواست و ارادهٔ افراد است؟

در درس‌های گذشته بیان شد که افراد انسانی با آگاهی و ارادهٔ خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جهان اجتماعی و تداوم آن مشارکت می‌کنند. آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرگونه بخواهیم جهان اجتماعی را بسازیم یا تغییر دهیم؟ یا اینکه جهان اجتماعی پیامدهایی دارد که بر اراده و فعالیت‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

شاه انوشیروان به موسم دی / رفت بیرون ز شهر بهر شکار / در سر راه دید مزرعه‌ای / که در آن بود مردم بسیار / اندر آن دشت پیرمردی دید / که گذشته است عمر او ز نود / دانه جوز در زمین می‌کاشت / که به فصل بهار سبز شود / گفت کسری به پیرمرد حریص / که چرا حرص می‌زنی چندین؟ / پای‌های تو بر لب گور است / تو کنون جوز می‌کنی به زمین / مرد دهقان به شاه کسری گفت / مردم از کاشتن زبان نبرند / دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند

**ملک الشعرا بهار**

یکی از جامعه‌شناسان به پرسش بالا این‌گونه پاسخ می‌دهد که سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جهان اجتماعی بیشتر از ماست. همچنان‌که سهم ما در ساختن جهان آیندگان بیش از آنهاست. شما چه فکر می‌کنید؟

کلاس درس خود را در نظر بگیرید و سهم خودتان، معاصران و پیشینیان را در شکل‌گیری آن، شناسایی کنید. سهم کدام یک قابل انکار است؟

زندگی اجتماعی به مثابه گفت‌وگو

تصور کنید وارد یک اتاق پذیرایی می‌شوید. دیر رسیده‌اید. وقتی که وارد می‌شوید، دیگران پیش از شما آمده‌اند و درگیر بحثی داغ هستند که نمی‌توانند آن را حتی برای چند لحظه متوقف کنند و به شما بگویند که موضوع چیست. بحث، پیش از آنکه هر یک از افراد به آنجا رسیده باشند، شروع شده است و بنابراین هیچ یک از حاضران واجد شرایط لازم نیست که بتواند به شما بگوید این بحث از چه مرحله‌ی گذشته است. مدتی می‌نشینید و گوش می‌دهید بعد به این نتیجه می‌رسید که رشته بحث را فرا گرفته‌اید؛ آنگاه شما هم وارد بحث می‌شوید و نظر خودتان را می‌گویید. کسی به شما پاسخ می‌دهد؛ شما هم پاسخ او را می‌دهید. کسی دیگر به دفاع از شما بر می‌خیزد و یکی دیگر به صف طرف مقابل شما می‌پیوندد ... به هر صورت بحث پایان ناپذیر است. دیر وقت می‌شود و شما باید بروید، اما بحث و گفت‌وگو همچنان ادامه دارد.

جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می‌آید. ولی این پدیده، پس از آنکه با کنش انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که وابسته به قرارداد و اراده تک تک افراد نیست. این پیامدها خود، موقعیت جدیدی (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) را برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما فراهم می‌آورد.

قبلاً از تفاوت کنش انسان‌ها و فعالیت حیوانات سخن گفتیم. یکی از تفاوت‌های ما و حیوانات، در خانه‌سازی آشکار می‌شود. حیوانات هم مثل ما انسان‌ها که به خانه و سرپناه نیاز داریم، به لانه و سرپناه احتیاج دارند. بیشتر حیوانات خانه می‌سازند. خانه حیوانات ممکن است در مکان، شکل، مصالح، استحکام و ... با خانه انسان‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. ولی مهم‌ترین تفاوت خانه‌سازی انسان و حیوان در این است که انسان پس از ساختن خانه‌اش ناچار می‌شود



■ فرصت‌ها و محدودیت‌ها

متناسب با شرایط خانه، در خود و شیوه زندگی اش تغییر ایجاد کند. به همین دلیل شیوه زندگی انسان کوچ نشین، یک جانشین و شهرنشین متفاوت می شود. جهان اجتماعی را می توان همچون خانه ای در نظر گرفت که انسان می سازد؛ ولی این خانه پس از ساخته شدن، الزامها و پیامدهایی برای انسان پدید می آورد که رفتار و زندگی او را متأثر می سازد. ما انسانها در جهانی دیده می گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است؛ جهانی که باورها، ارزشها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته اند و به فعالیت اجتماعی ما شکل می دهند؛ اما هر یک از ما صرفاً کنشگری منفعل نیستیم بلکه می توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم. ساختن جهان اجتماعی جدید، نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده ای نوین است و ممکن است جهان موجود از بسط آن جلوگیری کند. هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود، و در پی آن، برداشته شدن الزامهایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می گیرد و الزامهای دیگری به دنبال می آورد که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می گذارد.

### تحلیل کنید

برابر مقررات، همراه داشتن جزوه و کتاب درسی در جلسه امتحان ممنوع است. فرصتها و محدودیت های این ممنوعیت را تحلیل کنید.

### پیامدهای جهان اجتماعی فرصت اند یا محدودیت؟

برخی گمان می کنند پیامدهای جهان اجتماعی محدودکننده افراد است و برخی دیگر معتقدند که فرصت های جدیدی برای انسان پدید می آورد. شما در این باره چه فکر می کنید؟

هر خانه ای نقشه ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه ای بر روی زمین تبدیل به خانه واقعی نمی شود. آیا یک خانه می تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می شود و اگر همه اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی کند. اگر درها و دیوارها را فرصتها و محدودیت های خانه فرض کنیم، هیچ خانه ای بدون این فرصتها و محدودیتها ممکن نمی شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصتها و محدودیتها تحقق می یابد. منظور از فرصتها و محدودیت های جهان اجتماعی چیست؟





■ فرصت‌ها و محدودیت‌های بزرگراه‌ها

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. آیا می‌توانید بعضی از این محدودیت‌ها را نام ببرید؟ به نظر شما اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا در آن صورت رانندگان و عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ بنابراین، مقررات راهنمایی و رانندگی با آنکه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورند، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند، توجه کنید. این زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده را فراهم می‌آورد. بخش‌های مختلف جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارند. فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها، دو روی یک سکه‌اند.

هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید و ارزش‌های خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده بگیرد. جهان‌های اجتماعی مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جهان‌های اجتماعی، استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.<sup>۱</sup>



■ بت پرستی



■ تسلط بر طبیعت

## بخوانیم و بدانیم

خداوند سبحان در قرآن کریم خانهٔ عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌کند (سورهٔ عنکبوت آیهٔ ۴۱) تار عنکبوت محکم‌ترین مادهٔ زیستی است که تاکنون شناخته شده است. تارهای ابریشمی سازندهٔ خانهٔ عنکبوت، از فولاد هم محکم‌ترند. یک تار بلند عنکبوت پیش از پاره شدن تا پنج برابر طول خود کشیده می‌شود. اگر یک عنکبوت، تاری به ضخامت انگشت شست می‌ساخت می‌توانست یک هواپیمای جمبوجت را به آسانی حمل کند. شکل خانهٔ عنکبوت نیز شگفت‌انگیز و به شکل دایره‌های متحدالمرکز است که با شعاعی به هم متصل شده‌اند و با چسبندگی خود توان به دام انداختن حشرات را دارند. با این حال چرا قرآن آن را سست‌ترین خانه‌ها توصیف کرده است؟ خانهٔ عنکبوت و نه تارهای آن سست‌ترین خانه‌هاست؛ زیرا عنکبوت را نه از گرمای خورشید محافظت می‌کند و نه از سرمای زمستان. سایهٔ کافی ایجاد نمی‌کند و در برابر باران، تند باد و خطر مهاجمان قادر به محافظت از او نیست. این خانه از دوستی و مهربانی نیز تهی است؛ در برخی عنکبوت‌ها جنس ماده، جنس نر را می‌کشد. در برخی حالت‌ها عنکبوت ماده بی‌رحمانه بچه‌های خود را می‌خورد. وقتی بچه عنکبوت‌ها از تخم بیرون می‌آیند، خود را در یک مکان بسیار شلوغ، داخل کیسه تخم می‌بینند. این خواهرها و برادرها به خاطر غذا یا فضا با هم درگیر می‌شوند و یکدیگر را می‌کشند. خانه عنکبوت وحشی‌ترین خانه‌هاست که در آن خبری از پیوندهای خویشاوندی و عاطفی نیست.

بدین ترتیب از مرغوب‌ترین مصالح و اشکال، سست‌ترین خانه بنا می‌شود. پروردگار، خلقت عنکبوت و خانه‌اش را مذمت نمی‌کند؛ بلکه از آن برای مقایسه استفاده می‌کند. خدا زندگی انسان‌هایی را که غیر خدا را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند، همچون کسانی می‌داند که به خانهٔ سستی، همچون خانهٔ عنکبوت پناه برده‌اند.

۱- زمین با انسان، انسان با روح، روح با عقل، عقل با علم، علم با عمل و عمل با اخلاص، حیات می‌یابد. پیامبر اکرم (ص)

- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی به صورت حقوق و تکالیف افراد ظاهر می‌شوند. حقوق و تکالیف، به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی، پاره‌ای از حقوق و تکالیف خود را به عنوان عضو خانواده نام ببرید.
- سعدی در شعر زیر چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را بر می‌شمارد؟

هزاران در از خلق بر خود ببندی سفرهای علوی کند مرغ جانت گر از باغ انست گیاهی برآید همه عمر تلخی کشیده است سعدی	گرت باز باشد دری آسمانی گر از چنبر آز بازش پرانی گیاهت نماید گل بوستانی که نامش برآمد به شیرین زبانی
--	---

سعدی

### فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدّد کدام‌اند؟

منظور از جهان متجدّد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. اندیشمندان مختلف دربارهٔ ویژگی‌های این جهان اجتماعی گفت‌وگوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، بر شمرده‌اند. به نظر شما ویژگی‌های این جهان کدام‌اند؟

جهان‌های اجتماعی را براساس فرهنگ آنها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌کنند:

– جهان دنیوی دارای فرهنگ دنیوی است. به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود یا در محدودهٔ منافی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جهان دنیوی همهٔ ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

– جهان معنوی، فرهنگ معنوی دارد. این فرهنگ، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سابهٔ حیات برتر، مقدّس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

جهان معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ جهان توحیدی است، اما جهان اساطیری، فرهنگ اساطیری دارد که به خداوندگاران و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است. فرهنگ اساطیری مانع شکوفایی فطرت آدمی می‌شود.

جهان متجدّد، چه نوع جهان اجتماعی است و چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد؟

یکی از متفکرانی که دربارهٔ ویژگی‌های جهان متجدّد اندیشیده، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی است. او فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای این جهان اجتماعی بر می‌شمارد: جهان متجدّد، رویکرد دنیوی و این جهانی دارد و در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برمی‌دارد.

در این جهان اجتماعی، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این اهداف، از علوم تجربی استفاده می‌کنند. این علوم با روش تجربی و فناوری حاصل از آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث و مسائل طبیعی همانند بیماری، زلزله، سیل و ... را به انسان می‌دهد.<sup>۱</sup>

قوت افرنگ از علم و فن است

از همین آتش، چراغش روشن است

اقبال لاهوری



■ به‌کارگیری علوم تجربی و فناوری حاصل از آن

در جهان متجدّد، کنش‌هایی که اهداف دنیوی را به وسیلهٔ علوم تجربی تعقیب می‌کنند، به شدت رواج می‌یابند. رواج این دسته از کنش‌های حسابگرانهٔ معطوف به دنیا، عرصه را بر سایر کنش‌های انسانی، مانند کنش‌های عاطفی و اخلاقی تنگ می‌کند. این وضعیت، افراد خواهان تسلط بر این جهان را به تدریج، اسیر نظام اجتماعی پیچیده‌ای می‌سازد که مثل قفس آهنین، همهٔ ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند و فرصت‌رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می‌گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها یاد می‌شود.

در جهان متجدّد، عناصر معنوی و مقدس طرد می‌شوند و جهان، از هیچ‌گونه قداستی برخوردار نیست. جهان صرفاً از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند؛ به‌وسیلهٔ او به کار گرفته می‌شوند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و هیچ‌گونه قداستی ندارند.

در نگاهش آدمی آب و گل است

کاروان زندگی بی‌منزل است

اقبال لاهوری

۱- رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن، برای تسلط بر طبیعت و جامعه را «گسترش عقلانیت ابزاری» می‌گویند.

جهان متجدّد فقط علمی را که با روش‌های تجربی به دست می‌آیند، علم می‌داند و علمی را که از روش‌های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می‌کنند، علم نمی‌شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری - که پدیده‌های فراتجربی‌اند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند - از دست می‌رود و داوری دربارهٔ این امور، به تمایلات افراد و گروه‌های متفرّق سپرده می‌شود. آیا راهی برای ارزیابی فرصت‌ها و محدودیت‌های یک جهان اجتماعی وجود دارد؟



■ تصاویری از فیلم عصر جدید: انسان در بند تکنولوژی

### تفسیر کنید

فیلم سینمایی «عصر جدید» را ببینید و تصویری را که چارلی چاپلین از انسان معاصر ارائه می‌کند، تفسیر کنید.

۱- از این روند، به زوال معنا و «عقلانیت ذاتی» یاد می‌شود.





● شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر) و همزمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

## ارزیابی جهان‌های اجتماعی

درس ۲

«واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم»

### قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی کدام است؟

مردمی که در یک جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، اهداف و ارزش‌های مشترکی دارند. اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، زندگی کردن با یکدیگر، آزادی، عدالت، دفاع از مظلومان و ... ارزش‌ها، راهنمای کنش اعضای جهان اجتماعی‌اند. وقتی مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، ارزش‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند. ولی آیا مردم همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل می‌کنند؟

هر یک از شما اهداف و ارزش‌هایی را در زندگی خود تعقیب می‌کنید. برخی هدف‌های شما مانند انجام تکالیف درسی امروز، کوتاه مدت‌اند. برخی مانند قبول شدن و به کلاس بالاتر رفتن میان مدت‌اند و برخی مانند تبدیل شدن به یک فرد مفید در جامعه و سعادت دنیوی و اخروی، بلند مدت‌اند. رسیدن به هر کدام از این اهداف و تحقق آنها، وابسته به کنش‌های شماست.

در یک خانواده برای تهیه صبحانه، نظافت‌خانه، تأمین هزینه‌ها، مقابله با سختی‌ها، عروس و داماد کردن بچه‌ها، احترام به یکدیگر و ... هر عضو خانواده مسئولیتی به عهده دارد. اعضای یک جهان اجتماعی نیز، اهداف و ارزش‌های مشترکی را تعقیب می‌کنند که هر کدام برای تحقق آنها، وظیفه و مسئولیتی را برعهده دارند. آیا تمامی افراد یک جهان اجتماعی برای تحقق ارزش‌ها و آرمان‌ها، به مسئولیت‌هایشان عمل می‌کنند؟

به مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترکی که اعضای یک جهان اجتماعی خواهان رسیدن به آنها هستند، «آرمان اجتماعی» می‌گویند. آرمان اجتماعی تصوّر اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد، خانواده و ... است.

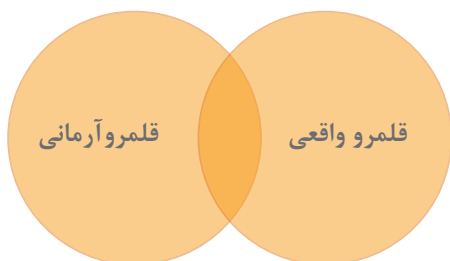


مانند آب که در رودها، نهرها، جوی‌ها و ... جاری است، آرمان جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور است.

آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شود؛ مثلاً آرمان جهان اسلام، توحید است. جامعه‌ای، آزادی را آرمان خود می‌بیند و جامعه‌ای دیگر عدالت را و ... عموماً انسان‌ها خدمت به هم‌نوعان خود را خوب و خیانت به دیگران یا قتل نفس را گناهی بزرگ می‌شمارند. دروغ‌گویی، رشوه، دزدی را ناروا و رعایت مقررات را پسندیده می‌دانند. بسیاری از ارزش‌های یادشده را اغلب افراد جامعه رعایت می‌کنند و برخی از آنها را بعضی گروه‌ها یا افراد در عمل رعایت نمی‌کنند.

ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آنها را لازم می‌دانند، اما در عمل ممکن است برخی از آنها را نادیده بگیرند، قلمرو آرمانی جهان اجتماعی را شکل می‌دهد و ارزش‌هایی که مردم به آن عمل می‌کنند، قلمرو واقعی جهان اجتماعی را می‌سازد.

قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده‌اند و مرز آنها براساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه آرمان‌ها وارد قلمرو واقعی جهان اجتماعی می‌شوند. اما اگر مردم به ارزش‌هایی که در قلمرو آرمانی جامعه رعایت آنها را لازم می‌دانند، عمل نکنند، قلمرو واقعی از آرمان‌ها فاصله می‌گیرد.



برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه، همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت، زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.



## بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی افراد سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی‌آورند. از این رو، به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند. این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است، سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (سوره صف، آیات ۳ و ۴).



■ تمامی افراد همواره مطابق ارزش‌های جهان اجتماعی خود عمل نمی‌کنند.

### نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعه خود را بنویسید که کمابیش بیرون از قلمرو واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از قلمرو واقعی	درون قلمرو واقعی
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
.....	احترام به پدر و مادر
.....	.....

## قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی را چگونه ارزیابی کنیم؟

واقعیت‌های هر جهان اجتماعی را می‌توان در پرتو آرمان‌های آن ارزیابی کرد. اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان قلمرو واقعی و آرمانی جامعه خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همه آرمان‌ها درست‌اند تا واقعیت‌ها را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها وجود دارد؟

در سراسر تاریخ، حق و باطل از آرمان‌های بشری بوده و اغلب جهان‌های اجتماعی، رعایت حق و مقابله با باطل را لازم دانسته‌اند. در جهان اسلام نیز، عمل به حق و پرهیز از باطل، مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند. واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی براساس این دو ارزش، به دو نوع حق و باطل تقسیم می‌شود. گفته شد که واقعیت‌ها را در پرتو آرمان‌ها ارزیابی می‌کنیم و مناسب یا نامناسب بودن آنها را تشخیص می‌دهیم. حال، خود آرمان‌ها را چگونه ارزیابی کنیم؟ آیا آرمان‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟



■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

عقایدی که مردم درباره انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، قواعدی که براساس آنها عمل می‌کنند، سبک زندگی آنها و مهارت‌هایی که در زندگی به کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی اشتباه است.

هر بخش از جهان اجتماعی که به لحاظ علمی قابل دفاع نباشد و براساس خرافات شکل گرفته باشد، باطل و بخش‌هایی که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، حق است.

عقیده به توحید و ارزش‌های توحیدی، وفای به عهد، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از عدالت و حقوق انسان‌ها و ... از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند. ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران، شرک،

دنیاپرستی و ... از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.

حق و باطل بودن هر لایه از جهان اجتماعی، با علم متناسب با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی توان داوری درباره فنون و روش‌های اجرایی را دارند. مثلاً درست یا نادرست بودن شیوه

مداوای بیماران را می‌توان با روش‌های تجربی شناخت. حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان دربارهٔ انسان و جهان را با روش‌ها و علوم تجربی نمی‌توان شناخت. علوم مبتنی بر عقل و وحی، دو ابزار مهم برای شناخت عقاید و ارزش‌ها هستند. جهان‌های اجتماعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند و عقل و وحی را به عنوان دو روش علمی، معتبر نمی‌دانند، نمی‌توانند از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها سخن بگویند. از نظر این جوامع، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، پدیده‌هایی هستند که صرفاً در قلمرو آرمانی یا واقعی جوامع انسانی پدید می‌آیند و ما فقط می‌توانیم بودن یا نبودن این ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آنها را بشناسیم و برای داوری دربارهٔ درست و غلط بودن یا حق و باطل بودن آنها راهی نداریم. علوم اجتماعی، اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند، می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند.

### نمونه بیاورید

سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همهٔ فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید.

آرمان حق				
.....	.....	.....	راست‌گویی	وفای به عهد

### آیا حق و باطل، تابع جهان‌های اجتماعی‌اند؟

پدیده‌ای در یک جهان اجتماعی در قلمرو آرمانی قرار می‌گیرد و در جهان اجتماعی دیگری در قلمرو واقعی قرار دارد؛ مثلاً امنیت، برای یک کشور آشوب‌زده، پدیده‌ای در قلمرو آرمانی و برای یک جامعهٔ بسامان، در قلمرو واقعی است.

در یک جهان اجتماعی نیز، پدیده‌ای در زمانی، آرمان محسوب می‌شود و در زمان دیگری لباس واقعیت می‌پوشد؛ مثلاً استقلال سیاسی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد. حدود قلمرو واقعی و آرمانی هر جهان اجتماعی دستخوش تغییر می‌شود و از جامعه‌ای به جامعه دیگر نیز متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه‌اند و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟ یا حق و باطل، مستقل از، پذیرش یا عدم پذیرش جهان‌های اجتماعی‌اند؟

سلطان محمود را در حالت گرسنگی بادمجان بورانی پیش آوردند. خوشش آمد و گفت: «بادمجان طعمی است خوش». ندیمی در مدح آن فصلی پرداخت. چون سیر شد، گفت: «بادمجان سخت مضر چیزی است». ندیم باز در مضرات بادمجان مبالغتی تمام کرد. سلطان گفت: «ای مردک! نه این زمان مدحش می‌گفتی؟» گفت: «من ندیم توام نه ندیم بادمجان. مرا چیزی می‌باید گفت که تو را خوش آید، نه بادمجان را».

چاپلوسی همیشه و همه‌جا عملی ناپسند بوده است. در چاپلوسی چه اتفاقی می‌افتد؟ برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، وابسته می‌دانند و هیچ حقیقتی را ورای خواست و ارادهٔ افراد به رسمیت نمی‌شناسند. آیا به‌راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها، به تمایلات افراد وابسته است؟



حق و باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، براساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادگرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول‌پرستی و شرک؛ از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجههٔ جوامع مختلف با آنها دگرگون نمی‌شود.

آزادی انسان‌ها از همهٔ بندها و موانع راه سعادت آنها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان‌ها، توحید و ربوبیت خداوند سبحان نسبت به همهٔ مخلوقات، از عقاید و ارزش‌های حقیقی و درستی هستند که حقانیت و درستی آنها با موافقت و مخالفت آدمیان تغییر نمی‌یابد. جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آنها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آنها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

اگر جوامع حقایق را نشناسند، و به آن ایمان نیاورند و مطابق آن عمل نکنند یا اگر ایمان خود را نسبت به حقایق از دست بدهند، از حق گسسته و به سوی باطل گام برمی‌دارند. بنابراین، حقایق هر چند خود ثابت‌اند؛ ولی از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی و واقعی، تغییر پذیرند. یعنی برای جهان‌های اجتماعی، امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد؛ همان‌گونه که امکان خروج از باطل و قبول حق وجود دارد. جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آنها، دچار تغییر نمی‌شود.

## بخوانیم و بدانیم

با ظهور اسلام، تمامی آرزوها و منافعی که از نظر عقلی قابل دفاع نبود، با چالش مواجه شد. یکی از این منافع، تبعیض نژادی بود. در دوران جاهلیت، افراد غیر عرب و سیه چرده از هیچ امتیازی برخوردار نبودند. این‌گونه افراد، تنها به عنوان برده جهت رفاه حال و منافع اشراف عرب به کار گرفته می‌شدند. پیامبر اکرم (ص) مأمور شدند تا نژادگرایی را طرد کنند. ایشان در طول رسالت خود، در فرصت‌ها و موقعیت‌های مختلف، اعراب را از تفاخرات نسبی و قبیله‌ای بر حذر می‌داشتند و می‌فرمودند: «نسب‌های خود را نزد من نیاورید بلکه عمل‌های خود را بیاورید».

## شناسایی کنید

پدیده‌های باطلی در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی جهان‌های اجتماعی وجود دارد. آیا می‌توانید مواردی را شناسایی کنید؟

باطل	
قلمرو واقعی	قلمرو آرمانی
تکثیر (مال اندوزی)	تکثیر (مال اندوزی)
قبیله‌گرایی	قبیله‌گرایی
.....	.....
.....	.....

